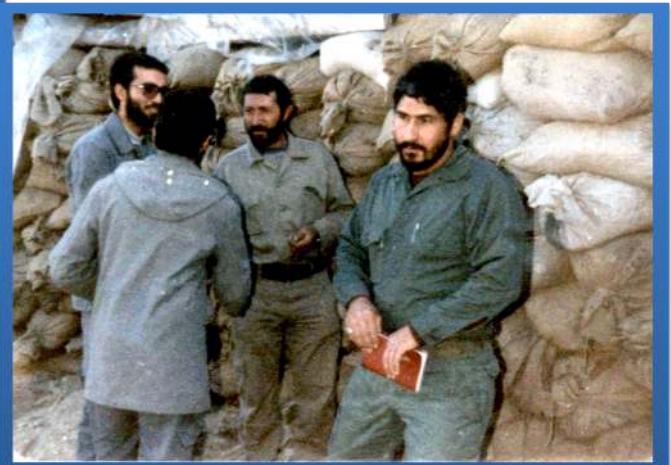


نام: علی  
نام خانوادگی: رضائیان  
نام پدر: زین العابدین  
تاریخ تولد: ۱۳۲۶/۴/۱۹  
محل تولد: فیروزآباد تهران  
تحصیلات: لیسانس نظامی  
وضعیت تأهل: متاهل - ۵ فرزند  
تاریخ عضویت: ۱۳۵۸/۱/۱  
مسئولیت: فرمانده قرارگاه مقدم  
حمزه سیدالشهداء(ع)  
تاریخ شهادت: ۱۳۶۲/۸/۴  
 محل شهادت: بانه  
 نحوه شهادت: انفجار مین در  
 جریان عملیات والفجر ۴  
 محل دفن: گلستان شهداء اصفهان

علی رضائیان ۱۹ تیرماه سال ۱۳۲۶ در فیروزآباد تهران به دنیا آمد. اصلاتاً اهل خورزوق اصفهان بودند، اما به واسطه ظلم کدخدای آبادی‌شان مجبور به مهاجرت شدند و در یکی از روستاهای تهران به نام فیروزآباد و در منزل آیت‌الله فیروزآبادی ساکن شدند.



دوره ابتدایی را در فیروزکوه به پایان رساند. از ۵۵ دوازده سالگی پیش نماز مسجد بود. هر روز عده‌ای از بچه‌ها را جمع می‌کرد و برای خواندن نماز به مسجد می‌برد.



هم‌زمان با تحصیل در کارگاه صندلی‌سازی و آلمینیوم‌سازی هم کار می‌کرد. با پایان دوره ابتدایی تمام وقت کار می‌کرد و با این وضع دیگر نمی‌توانست، درس بخواند.



پدرش که از علاقه علی به درس خواندن خبر داشت، او را برای آشنایی با علوم اسلامی نزد یکی از علمای فرستاد. او روزها کار می‌کرد و شبها برای یادگیری علوم اسلامی پیش عالم می‌رفت.



بعداز مدتی همراه برادرش به اصفهان مهاجرت کرد و در یکی از داروخانه‌های شهر مشغول کار شد.

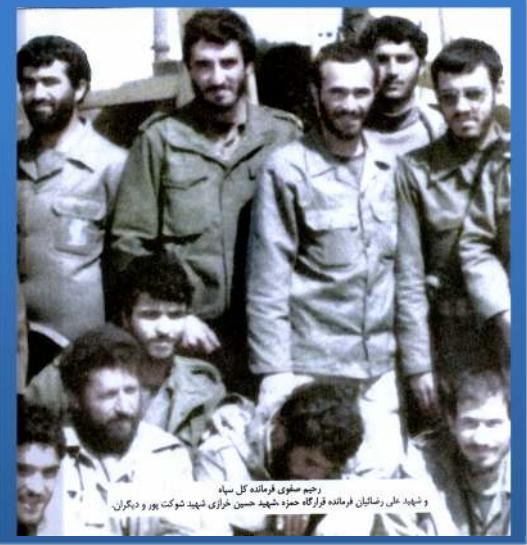


چون از برخورد با زنان بی‌حجاب خوشش نمی‌آمد. داروخانه را رها کرد و به کارهای ساختمانی و بنایی مشغول شد.



برای ازدواج سراغ دختر حاج مصیب طالبی رفت. مراسم عروسی بسیار ساده برگزار شد. فامیل دعوت شدند و برای ناهار به آن‌ها خورشت قیمه داده شد.

سال ۱۳۵۰ با محمد منتظری و آیت‌الله سعیدی آشنا شد، آشنایی که نقش مؤثری در وقایع و پیش‌آمدهای بعدی زندگی او و نیز رشد معنوی و جهت‌گیری فعالیت‌های انقلابی اش داشت.



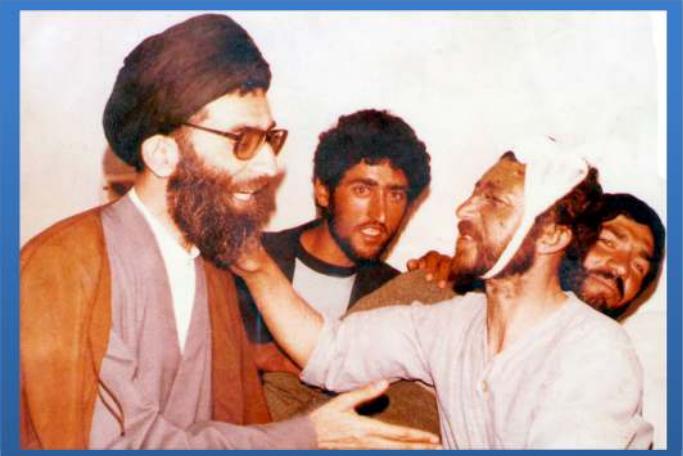
و شهید علی رضائلان فرمانده قرارگاه حمزة شهید همین خوازی شهید شوکت پور و دیگران



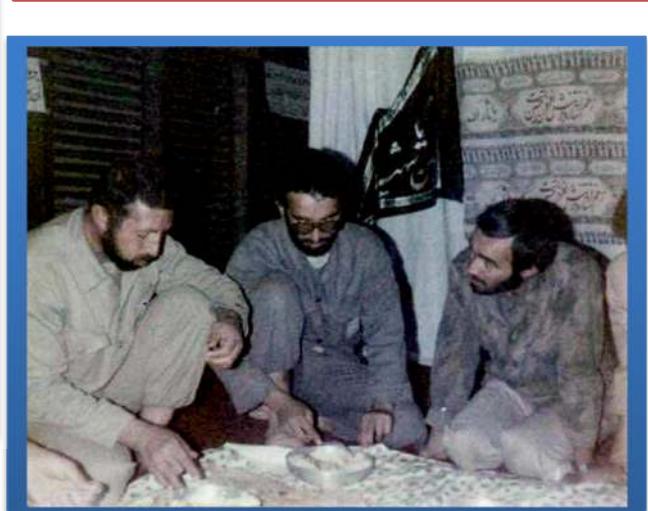
به جز حفظ قرآن و نهج‌البلاغه، به زبان‌های ترکی، انگلیسی و عربی آشنایی داشت. برای کسی قابل درک نبود که یک بنا چگونه می‌تواند، این کارها را انجام دهد.



او از جمله نیروهایی بود که در تشکیل به موقع سپاه اصفهان و جذب و ساماندهی نیروهای انقلابی نقش بسیار مؤثری داشت.



اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۵۹ با اولین گروه از نیروهای سپاه اصفهان به فرماندهی رحیم صفوی، به سندج رفت و در جریان عملیات آزادسازی شهر، در مسجد شریف‌آباد از ناحیه سر به شدت مجروح شد.



بعد از بهبودی مسئولیت عملیات ستاد منطقه دو در اصفهان را به عهده گرفت.



او به عنوان بالاترین مقام مسئول تأمین نیروی انسانی با مشورت و همکاری سایر فرماندهان توانست اصفهان را به عنوان یکی از مهم‌ترین مراکز جذب و اعزام نیرو، مطرح کند.

مسئولیت او در جبهه‌ها، تقسیم نیروهای اعزامی از منطقه ۲ کشوری، در لشکرها و تیپ‌های اصفهان بود.



در جریان عملیات فرمانده کل قوا دوباره مجروح شد. یکی از انگشتان دستش به طور کامل قطع شد و عصب بعضی از انگشتانش از کار افتاد.



دیماه سال ۱۳۶۱ به درخواست سردار رحیم صفوی به عنوان معاونت‌های طرح و عملیات ستاد مشترک سپاه تهران مشغول به کار شد و بعد به قرارگاه حمزه سیدالشهدا(ع) مأمور شد و به فرماندهی قرارگاه مقدم حمزه را به عهده گرفت.



چهارم آبان‌ماه ۱۳۶۲ در منطقه عملیاتی والفجر<sup>۴</sup> بر اثر انفجار مین در خط مقدم جبهه به شدت مجروح و در بیمارستان صحرایی آن منطقه به شهادت رسید. او در این عملیات به عنوان فرمانده قرارگاه و هماهنگ کننده لشکرها عمل می‌کرد.

